

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: رمزی بارود\*  
برگردان از: ناهید صفائی  
۳۰ سپتمبر ۲۰۲۱

## چگونه چین بدون شلیک حتا یک گلوله فاتح جنگ خاورمیانه شد؟



«اگر مسأله نفت و نفوذ باشد، پس گویا چین و نه امریکا، برنده نهائی جنگ عراق و پس لرزه‌های آن است – بدون شلیک حتا یک گلوله». جمیل آندرلینی

سیاست خارجی قابل انتظار امریکا در دولت بایدن، چگونگی مقابله با رشد اقتصادی بی‌وقفه چین و جاه طلبی‌های سیاسی آن است. در این مورد در تاریخ ۱۲ مارچ اجلاسی مجازی برگزار شد، که به جز ایالات متحده، هند، استرالیا و جاپان هم در آن شرکت داشتند.

اگرچه این گروه موسوم به «چهار» چیز جدیدی در بیانیه مشترک خود فاش نکرد، اما رهبران این چهار کشور در مورد یک اجلاس «تاریخی» صحبت کردند و وبسایت «دیپلمات» آنرا «نقطه عطف مهمی در تکامل گروه بندی» توصیف کرده است.

درحقیقت بیانیه مشترک، محتوای چشمگیری ندارد و مطمئناً چیز جدیدی ندارد در مورد این که چگونه می توان موفقیت‌های ژئوپلیتیک بیجینگ، افزایش اعتماد به نفس نظامی آن، و افزایش حضورش در آبراه‌های ستراتیژیک جهانی و یا در اطراف آن آبراه‌ها را متوقف کرد و یا حتا از سرعت آن کاست.

این گروه «چهار»، سال‌ها مشغول تدوین ستراتیژی یکپارچه‌ای در برابر چین بوده است، ولی موفق به طراحی چیزی نشده است که دارای اهمیت عملی باشد. جلسات «تاریخی» به کنار، چین تنها اقتصاد مهم جهان است که پیش بینی

می‌شود امسال هم رشد اقتصادی چشمگیری داشته باشد. بنا بر پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد چین در سال ۲۰۲۱ دارای رشد ۸/۱ درصدی است، در حالی که طبق داده‌های اداره تحلیل اقتصادی ایالات متحده آمریکا، تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال ۲۰۲۰، حدود ۳/۵ درصد کاهش یافته است.

گروه «چهار» که مخفف «مذاکره‌های امنیتی چهارگانه» است، در سال ۲۰۰۷ تشکیل شد و در سال ۲۰۱۷ کار خود را از سر گرفت. هدف آن آشکارا ممانعت از پیشرفت چین در همه زمینه‌هاست. این اتحادیه هم مانند اکثر اتحادیه‌های آمریکایی، مظهر سیاسی یک اتحاد نظامی یعنی مانورهای بحری مالابار است. مورد اخیر در سال ۱۹۹۲ آغاز شد و هر چهار کشور در آن مشارکت داشتند.

از زمان «چرخش واشنگتن به سمت آسیا» یعنی تغییر در سیاست خارجی تثبیت شده ایالات متحده که متکی به تمرکز بیشتر بر خاور میانه بود، مدرکی وجود ندارد که نشان دهد سیاست‌های مقابله‌ای واشنگتن، تجارت یا دیپلماسی بیجینگ در سراسر قاره را تضعیف کرده است. گذشته از برخوردهای نزدیک بین نیروی بحری آمریکا و چین در بحیره چین جنوبی، مورد دیگری گزارش نشده است.

در حالی که بسیاری از رسانه‌ها به «چرخش آمریکا به آسیا» توجه زیادی نشان داده‌اند، در مورد محوریت چین در خاور میانه که تلاش اقتصادی و سیاسی‌اش بسیار موفق‌تر از آمریکا در این حوزه بوده است، توجه چندانی نکرده‌اند. تغییر بنیادی اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا، ریشه در ناکامی آمریکا در تبدیل جنگ عراق و تجاوز سال ۲۰۰۳، به یک موفقیت اقتصادی ملموس دارد. موفقیت اقتصادی که می‌بایست در نتیجه به دست گرفتن کنترل بزرگراه نفتی عراق، دومین ذخیره نفتی جهان حاصل شود اما ستراتیژی آمریکا در عمل اشتباه محض بوده است.

در مقاله‌ای که در سپتامبر ۲۰۲۰ در فایننشال تایمز منتشر شد، "جمیل آندرلینی" نکته جالبی را مطرح کرد. او چنین نوشت: «اگر مسأله نفت و نفوذ باشد، پس گویا چین؛ و نه آمریکا؛ برنده نهایی جنگ عراق و پس لرزه‌های پس از آن است؛ بدون شلیک حتی یک گلوله.»

چین اکنون نه تنها بزرگترین شریک تجاری عراق است، بلکه نفوذ گسترده اقتصادی سیاسی بیجینگ در خاور میانه نیز پیروزی به شمار می‌رود. به گفته فایننشال تایمز، چین اکنون بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی خاور میانه و بلکه شریک ستراتیژیک تمام کشورهای حوزه خلیج فارس است. این‌را با سیاست خارجی مغشوش ایالات متحده در منطقه، بالاتکلیفی بی‌سابقه، نبود دکترین سیاسی قابل تعریف، و فروپاشی سیستماتیک پیمان‌های منطقه‌ای مقایسه کنید.

این پارادایم وقتی در مقیاس جهانی درک شود، روشن‌تر و متقاعدکننده‌تر می‌شود. در پایان سال ۲۰۱۹، چین از نظر دیپلماسی رهبر جهان شد، زیرا در آن زمان به ۲۷۶ پست دیپلماتیک خود می‌بالید. بسیاری از آنها کنسولگری هستند که خلاف سفارتخانه‌ها از نظر تجارت و مبادله‌های اقتصادی نقش پررنگ‌تری دارند. بنابر آمار و ارقام سال ۲۰۱۹ که در مجله فارین افرز منتشر شد، چین دارای ۹۶ کنسولگری در مقابل ۸۸ کنسولگری آمریکا است. در حالی که تا سال ۲۰۱۲، بیجینگ با ۲۳ پست نمایندگی دیپلماتیک، به طرز قابل توجهی از واشنگتن عقب‌تر بود.

هرجا که چین حضور دیپلماتیک داشته باشد، توسعه اقتصادی هم به دنبال آن است. خلاف ستراتیژی ناهماهنگ ایالات متحده، اهداف جهانی چین از طریق یک شبکه گسترده، معروف به کمربند و جاده، با تخمین تریلیون‌ها دلار بیان می‌شود. کمربند و جاده وقتی تکمیل شود، بیش از شصت کشور را حول ستراتیژی‌های اقتصادی و راه‌های تجاری به رهبری چین متحد می‌کند. به منظور تحقق این امر، چین به سرعت به ایجاد نزدیکی فیزیکی با آبراه‌های ستراتیژیک جهان رو آورد و در بعضی از آنها سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام داد، مانند تنگه باب‌المنندب برای تثبیت تنها پایگاه نظامی‌اش در خارج از کشور، در جیبوتی واقع در شاخ آفریقا.

در دورانی که اقتصاد امریکا سیر نزولی دارد، و متحدان اروپائی آن از نظر سیاسی دچار شکست شده‌اند، به‌دشواری می‌توان تصور کرد که برنامه‌های امریکا برای مقابله با نفوذ چین، چه در خاور میانه، چه در آسیا و یا هر جای دیگری با موفقیت قابل توجهی روبه‌رو شود.

بزرگترین معضل ستراتیژی امریکا در قبال چین این است که هیچ نتیجه‌ای به دست نخواهد آمد که در آن امریکا بتواند پیروزی شفاف و صریحی کسب کند. از نظر اقتصادی، چین اکنون موتور رشد جهانی است و در نتیجه بحران جهانی و کووید ۱۹ در ایالات متحده، توازن به نفع چین تغییر کرده است. ضربه به چین، باعث تضعیف بازارهای بین‌المللی و امریکا می‌شود. از نظر سیاسی و ستراتیژیک نیز همین امر صدق می‌کند. در مورد خاور میانه، «چرخش به آسیا» در چندین جبهه نتیجه معکوس داده است. از یک سو، هیچ موفقیت محسوسی در آسیا به دست نیامده، و از سوی دیگر خلأ عظیمی را به سود چین به وجود آورده تا بر ستراتیژی خود در خاور میانه، متمرکز شود.

بعضی‌ها به نادرستی استدلال می‌کنند که کل ستراتیژی چین ناشی از تمایل این کشور به «تجارت» است. حال آن که از نظر تاریخی، انگیزه همه ابرقدرت‌ها، سلطه اقتصادی است. تلاش به دستیابی به برتری جهانی از سوی بیجینگ، محدود به امر مالی نیست. چین در بسیاری جبهه‌ها یا پیش‌تاز بوده یا به آن نزدیک شده است. به عنوان نمونه، در تاریخ ۹ ماه مارچ، چین با روسیه توافق‌نامه‌ای برای ساخت ایستگاه تحقیقات بین‌المللی در کره ماه امضاء کرد. با توجه به سابقه طولانی روسیه در اکتشافات فضائی و دستاوردهای اخیر چین در این زمینه -از جمله اولین فرود فضا پیم در منطقه تاریک ماه- انتظار می‌رود هر دو کشور در مسابقه احیا شده فضائی پیشگام شوند.

مطمناً، جلسه «گروه چهار» به رهبری ایالات متحده نه تاریخی بود و نه یک تغییر دهنده بازی. چرا که همه شاخص‌ها گواهی می‌دهند که رهبری جهانی چین بی هیچ مانعی ادامه خواهد یافت. رویدادی قابل ملاحظه که هم اکنون نیز پارادایم ژئوپولیتیک جهان را که بیش از یک قرن پا برجا بود، آرایش تازه‌ای بخشیده است.

\*\*\*\*\*

\*رمزی بارود روزنامه‌نگار و سردبیر روزنامه «فلسطین کرونیکل» و نویسنده پنج کتاب است. آخرین مقاله او «این زنجیره‌ها شکسته خواهند شد: داستان مبارزات و سرپیچی‌های فلسطینیان در زندان‌های اسرائیل است». دکتر بارود پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اسلام و امور جهانی (CIGA) و همچنین در مرکز آفریقا-خاور میانه (AMEC) است.

رمزی بارود، مینت پرس، ۱۹ مارچ ۲۰۲۱

دانش و امید، شماره ۷، شهریور [سنبله] ۱۴۰۰